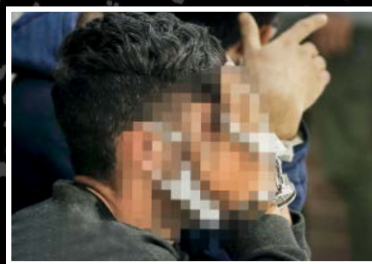


جام جم

# شتر

ضمیمه حوادث | چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۱ | شماره ۹۷۱



گفت و گو با سارق حرفه‌ای  
خانه‌های شمال تهران

هیچ دری به رویم  
بسته نیست ۲

بررسی قاتلانی که با گرفتن پول  
مرتکب قتل می‌شوند

چند می‌گیری  
آدم بکشی؟ ۴

طرح: احسان نجفی | جام جم

مزایده ۳۱۹۴ و  
۳۱۹۵ / ۱۴۰۱ / خودرو و اقلام  
مرکز فروش کوثر  
شرح در صفحه ۶

بهترین کود ارگانیک کیوتر

از قدیم تا به حال

۰۹۱۲-۰۲۶۲۸۸۱  
۰۹۱۲-۰۲۰۱۶۳۳۳



نوبهار ۹۰

jamejamdaily.ir  
پذیرش آگهی: ۴۹۱۰۵۰۰۰



گفت و گو با سارق حرفه ای خانه های شمال تهران

## هیچ دری به رویم بسته نیست

دزد حرفه ای خانه های شمال تهران است و وقتی وارد خانه شود، برایش هیچ فرقی ندارد وسیله با ارزش سبک است یا سنگین. تا جایی که احساس خطر نکند، وسایل را با ماشین می کند و با خود می برد اما یک اشتباه در آخرین سرقت، او را گرفتار کرد. این هفته رو در روی این سارق بدشانس نشستیم و او از انگیزه اش برای سرقت ها گفت.

امیرعلی  
حقیقت طلب

تیش

خب دزد و کارم این است بدون اجازه وارد شوم. نمی توانم شگرد کارهایم را لو بدهم. گاهی از پنجره وارد می شدم، گاهی با تخریب دراز طریق در. هیچ دری به رویم بسته نیست. البته درهایی را که باز کردنش سخت باشد، رها می کنم.

چطور از پنجره وارد می شدی؟

خانه هایی را که طبقه اول بودند و بالکن و پنجره شان بدون حفاظ بود، شناسایی می کردم. اگر کسی در خانه نبود، از دیوار بالا می رفتم و خودم را به بالکن می رساندم و با تخریب در، وارد می شدم. درهای بالکن و پنجره ها مقاومت زیادی ندارند و با یک فشار باز می شوند.

چطور می فهمیدی، کسی در خانه نیست؟

در فاصله زمانی یک ساعت، چند بار زنگ می زدم، اگر کسی جواب نمی داد و تغییری در روشنایی خانه ایجاد نمی شد، دست به کار می شدم.

شب ها سرقت می کردی؟

نه قبل از غروب، شب که بروی همه به رفتارت

چند سال داری؟

۲۸ سال.

مجردی؟

بله. چه کسی به یک سابقه دار زن می دهد.

پس سابقه دار هم هستی؟

تا دلت بخواهد. زندگی من به دو بخش تبدیل می شود؛ یا در خانه های مردم حال دزدی هستم یا در زندان در حال گذراندن دوره محکومیت.

از این وضع خسته نشدی؟

دروغ نگم، خسته که شدم اما چاره ای ندارم. خانواده ام مرا طرد کرده اند. کسی هم کاری به یک سابقه دار نمی دهد، البته حق دارند. می ترسند گوشت را گذاشته باشند جلو گریه.

اولین بار کی دستگیر شدی؟

یادم نیست. ۱۷، ۱۸ سالم بود که دخیل مغازه ای را زدم و صاحب مغازه سر رسید و من را تحویل پلیس داد. بعد که آزاد شدم با یک دزد خانه آشنا شدم و تا الان فقط از خانه ها دزدی می کنم.

چطور وارد خانه ها می شوی؟

را می فروختم.

درآمدت چطور بود؟

بد نبود. بستگی به جایی داشت که به آنجا دستبرد می زدم. اگر پول و طلا پیدا می کردم خوب بود. وسایل را مالخر به یک سوم قیمت آن می خرد و سودی ندارد.

چطور دستگیر شدی؟

به دلیل یک اشتباه گرفتار شدم. در آخرین سرقت برای بازکردن در ورودی آپارتمان، از کارت بانکی استفاده کردم. نمی دانم چطور کارت روی زمین افتاده بود و من نفهمیدم. خلاصه پلیس که سر می رسد کارت را پیدا می کند و وقتی متوجه می شود متعلق به مالک نیست، حدس می زند متعلق به سارق است. استعلام که می کنند، می فهمد متعلق به یک سارق سابقه دار است. از شانس بد من، آن روز مالخر نبود و وسایل دزدی را به خانه برده بودم. وقتی ماموران سر رسیدند، با پیدا شدن وسایل، دیگر راه فرار برای مخفی کاری نداشتم و اعتراف کردم.

آزاد شوی باز هم سراغ دزدی می روی؟

سعی می کنم نروم.

شک می کنند اما روز کسی شک نمی کند.

تو از دیوار بالا می رفتی، کسی شک نمی کرد؟

مثل قدیم نیست که همسایه، همسایه اش را بشناسد. بعد وقتی در روز با خیال راحت و خونسرد از دیوار بالا بروی کسی شک نمی کند که دزدی و فکر می کنند کلید جا گذاشته ای. مردم فکری می کنند اگر شب کسی از دیوار خانه مردم بالا رفت، دزد است.

تنها سرقت می کردی؟

بله. دوست ندارم همدست داشته باشم.

چرا؟

هر چه همدستانان بیشتر باشند، احتمال دستگیری ات هم بیشتر است.

وقتی وارد خانه می شدی، چه چیزی سرقت می کردی؟

وسایل با ارزش، اگر پول و طلا پیدا می کردم که فقط آنها را سرقت می کردم اما اگر از پول و طلا خبری نبود، وسایل خانه مثل فرش، تابلو فرش، تلویزیون و... سرقت می کردم.

این وسایل را چطور با خودت می بردی؟

با پرایدم. با ماشین می رفتم و بعد از هر سرقت یکرست سراغ مالخر می رفتم و آنها

## هشدارهای مهم

از دوربین هایی استفاده کنید که تصاویر آن روی گوشی تلفن همراه قابل مشاهده باشد و دستگاه ضبط تصاویر را در محل قرار دهید که دزد به راحتی آن را با خود نبرد.

منزل شما، محل سکونت تان است نه گاو صندوق اشیای گران قیمت؛ لذا توصیه می شود از نگهداری اموال با ارزش ریالی بالا در منزل خودداری کرده و برای این منظور از صندوق امانات استفاده کنید.

در صورت نگهداری اموال گران قیمت و وجه نقد در منزل، به هیچ عنوان حتی در حضور نزدیک ترین اقوام و آشنایان نیز در این خصوص صحبت نکنید.

با توجه به این که سارقان برای سرقت اشیای قیمتی مستقیم به اتاق خواب مراجعه می کنند، برای نگهداری اموال با ارزش خود در منزل، جاساز داشته باشید و از قرار دادن آنها در اتاق خواب یا راه سازی طلاجات در معرض دید خودداری کنید.

در استخدام سرایدار و نظافتچی، پرستار کودک و سالمند دقت کرده و از شرکت های معتبر استفاده کنید.

بعد از سکونت در منزل جدید یا مفقود شدن کلید، بلافاصله قفل ها را عوض کنید.

برخی شهروندان تصور می کنند قفل، یکی از بهترین راهکارها برای جلوگیری از ورود سارقان به خانه است؛ در حالی که قفل، سرقت را به تاخیر می اندازد اما مانع آن نمی شود. برای این که بتوانید دزدان را کیش و مات کنید، باید نکات ایمنی را به خوبی رعایت کنید و به یک قفل بسنده نکنید. در زیر به تعدادی از هشدارهایی که پلیس آگاهی برای افزایش ایمنی خانه ها اعلام کرده، اشاره می کنیم.

با توجه به ورود بسیاری از سارقان از بالکن طبقات اول به منازل شهروندان، توصیه می شود حتماً برای بالکن طبقات اول و پنجره ها، حفاظ مناسب نصب کنند.

به تازگی به منظور زیبایی نمای ساختمان، سردرهایی نصب می شود که به سارقان کمک می کند به راحتی ابتدا روی علمک گاز سپس این سردرها پا گذاشته و بایاری خود صاحب خانه، برای سرقت منزل وارد عمل شوند.

در صورت نصب دوربین مدار بسته از دوربین های با کیفیت استفاده شود و حتماً یکی از دوربین ها به منظور ثبت اطلاعات خودرویی که با آن اموال سرقتی جابه جا شده، در محل مناسبی در کوچه نصب شود. سعی کنید



در مکان های عمومی، مهمانی ها، تاکسی ها و اتوبوس و آرایشگاه یا محل کار در خصوص داشته ها و نداشته های خود حفاظت گفتار داشته باشید.

بدون احراز هویت، در را روی افرادی که خود را مامور ارگان های مختلف معرفی می کنند، باز نکنید.

در ساختمان های شمالی از حفاظ مناسب استفاده کرده و حتی المقدور وسط حفاظ ها هم جوش داده شود تا امکان رد شدن از بین آنها وجود نداشته باشد.

بر خلاف تصور شهروندان، درهای ضد سرقت از ناحیه تویی بسیار آسیب پذیرند و نیاز است چارچوب این درها تقویت شوند.

دزد



# جنایت بدون رد و نشان



رازگشایی از قتل  
استاد فرش که قربانی  
توطئه‌ای شده بود،  
خاطره یکی از کارآگاهان  
پلیس آگاهی مشهد  
است. در این جنایت  
زن به دلیل سوءظن،  
نقشه قتل همسرش را  
طراحی و اجرا کرد

سال‌ها قبل، بعد از یک مرخصی دو روزه زمانی که به محل کارم آمدم، به من خبر دادند متهمی را به اتهام سرقت تلفن همراه بازداشت کرده‌اند و از من خواستند از این متهم تحقیق کنم.

متهم جوان که اعتیاد به مواد مخدر داشت و در بازداشتگاه بوده به اتاقم آوردم و تحقیقات را از محسن آغاز کردم. پسرجوان در همان حال بد خماری مواد و در حال اعتراف به سرقت گوشی، موضوعی را برایم گفت که کمی عجیب می‌آمد؛ شبی که بازی فوتبالی بود، من به خانه یکی از دوستانم برای مهمانی رفتم. مشغول صحبت بودیم که ناگهان دوستانم برایم تعریف کرد شخصی را به قتل رسانده است. اما این که مقتول مرد یا زن، جوان یا پیر، متاهل یا مجرد بود را نمی‌دانم فقط گفت از زمانی که قتل را مرتکب شده عذاب وجدان لحظه‌ای او را رها نکرده است.»

زمانی که موضوع را به رئیس‌م گفتم، خیلی جدی نگرفت و گفت: «افسر جوان، متهم دارد تو را خام می‌کند و خیلی جدی نگیر.»

اما حرف‌های متهم، ذهنم را مشغول کرده بود و رئیس‌م که اصرار مرا دید، همه چیز را به من سپرد. دوستی که محسن از آن صحبت می‌کرد ساکن کرج بود، به همین دلیل پس از هماهنگی‌های قضایی با دو نفر از همکارانم راهی کرج شدیم.

## دستگیری مرد جنایتکار

به کمک محسن، خانه دوستش را که آرش نام داشت شناسایی کردیم؛ او ساکن زیرزمین ساختمانی چهار طبقه بود. مقابل در خانه آرش، تعداد زیادی کفش بود و نشان می‌داد که مهمان دارد. برای شناسایی کامل آرش، پیشنهاد کردم خانه را زیر نظر بگیریم. خوب به یاد دارم هوا به شدت سرد بود و تا ساعت ۱۱ صبح به انتظار ایستادیم تا این که آرش از خانه‌اش بیرون آمد و او را دستگیر کردیم.

ساعت یک بعد از ظهر بود که به تهران رسیدیم و تحقیقات از او را آغاز کردیم. آرش صحبت نمی‌کرد و تحقیقات ما ادامه داشت تا این که حدود ۵ ساعت بعد، باتوجه به صحبت‌هایی

که در این ۵ ساعت داشتیم اطلاعات جسته و گریخته‌ای از آرش به دست آوردم. این اطلاعات را مثل تکه‌هایی از پازل کنار هم قرار دادم و به سرنخ‌هایی رسیدم. زمانی که آنچه در ذهن داشتم را برای آرش برملا کردم، او یکه خورد و شروع به گریه کرد و در نهایت راز جنایتی که تاکنون خاموش مانده بود را برملا کرد.

## استاد فرش

آرش گفت: من ساکن یکی از شهرستان‌های غربی کشور هستم و مدتی قبل سوار بر اتوبوس راهی تهران شدم. راه طولانی بود و برای این که حوصله‌ام سر نرود شروع به صحبت با مرد میان‌سالی کردم که روی صندلی کناری نشسته بود. بعدها فهمیدم که مرد میان‌سال به نام سهراب، استاد فرش‌بافی است و اولین کسی بوده که فرش برجسته را ابداع کرده است. سهراب سفارشات زیادی از خارج کشور داشت و حتی برای برگزاری نمایشگاه‌ها او را به عنوان داور و ناظر دعوت می‌کردند.

او ادامه داد: به تهران که رسیدیم، چون در این شهر جا و مکان درست حسابی نداشتم سهراب مرا به خانه‌اش دعوت کرد. حدود یک‌سال در خانه سهراب ساکن شده و مدام به آنجا رفت و آمد داشتم.

## انگیزه قتل

پسر جوان گفت: از آنجا که سهراب استادی زبده و حرفه‌ای بود، کلاس‌های متعدد و سمینارهای زیادی در این رابطه برگزار می‌کرد و همین مساله باعث شده بود که با دختران و زنان جوانی در رابطه باشد. ارتباطی که هیچ چیزی پشت آن نبود اما شک همسرش مه‌لقا را برانگیخته بود و تصور می‌کرد سهراب به او خیانت کرده است. یک روز همسر سهراب سراغم آمد و از من خواست همسرش را به قتل برسانم. من نان و نمک سهراب را خورده بودم، زمانی که به تهران آمدم کسی را نداشتم و این سهراب بود که به من جا برای زندگی داد و کمک مالی کرده بود. اما مه‌لقا آن قدر گفت تا این که بالاخره راضی شدم.

متهم جوان سکوت کرد بغضی که در گلویش جمع شده بود را فرو خورد و ادامه داد: سهراب دو پسر و یک دختر داشت که یکی از پسرهایش و دخترش دانشجوی پزشکی بوده و تهران نبودند. اما پسر کوچک او چهارم دبیرستان بود. نقشه قتل را با همدستی پسر کوچک و همسر سهراب طراحی کردم. با پسر سهراب کلی تجهیزات برای قتل خریدیم. روز حادثه به حمام رفتم و با این بهانه که گاز کپسول تمام شده و آب سرد شده از سهراب خواستم کپسول را عوض کند. سهراب وارد حمام شد تا کپسول را عوض کند که من با چاقویی که از قبل با خودم برده بودم به او حمله کردم. سهراب که از این ماجرا شوکه شده بود به دفاع از خودش پرداخت و چاقو را از دست من گرفت و باعث شد من هم به شدت مجروح شوم. در نهایت او را به قتل رسانده و جسد را مثله کرده و با کمک پسرش در چهار کوله‌پشتی گذاشته و در قنات‌های اطراف انداختیم. حالا نوبت اجرای قسمت دوم نقشه بود، مدارک و لباس‌های سهراب را همسرش به من داد و قرار شد چند ماه بعد مدارک و لباس‌ها را با نامه‌ای برای آنها ارسال کنم. نامه‌ای با این مضمون که قصد خروج غیرقانونی از مرزهای غربی را داشته که پلیس متوجه ما شد و دستور تسلیم داد. اما ما اقدام به فرار کرده و سهراب تعادلش را از دست داده و به پایین افتاده بود.

## صحنه‌سازی

متهم جوان ادامه داد: برای این که دختر و پسر دیگر مقتول متوجه نشوند، مادرش از آنها می‌خواهد که خودشان را به مشهد برسانند و به این بهانه آنها را از خانه دور می‌کند و بعد از برگشت به تهران نیز ناپدید شدن سهراب را گزارش می‌دهند. اما با ارسال بسته توسط من و نامه‌ای که به دست آنها می‌رسد، ماجرای ناپدید شدن سهراب حل می‌شود و آنها حتی برای سهراب مراسم ختم هم گرفتند. با اعتراف آرش، پسر و همسر مقتول نیز بازداشت شدند و به این ترتیب راز پرونده‌ای که هیچ رد و نشانی از آن وجود نداشت، برملا شد.

بررسی قاتلانی که با گرفتن پول احیر می شوند

# چند می گیری آدم بکشی؟

برخی افراد برای به دست آوردن پول هرکاری انجام می دهند، لازم باشد سرقت می کنند، کلاه مردم را برمی دارند و حتی آدم هم می کشند. اینها قاتلان اجاره ای هستند که در ازای کشتن اعضای خانواده، دوست و همکار سفارش دهندگان جنایت، گاهی با کمترین مبلغ پرداختی هم حاضرند دست به جنایت بزنند تا داستان سفارش دهنده قتل به طور مستقیم به خون آلوده نشود. قتل برای ناموس، انتقام از اعضای خانواده، مشکلات مالی، کشتن معشوق سابق، گرفتن طلب و... از جمله دلایلی است که باعث می شود قاتلان اجاره ای، پرونده زندگی یک انسان را در ازای مبلغی از پیش توافق شده ببندند. البته ماجرا به همین خوشی و خرمی تمام نمی شود و پس از ارتکاب قتل، هم سفارش دهنده جنایت و هم قاتل اجاره ای دستگیر می شوند.

لیلا حسین زاده

تپش

## اجاره آدمکش برای کشتن خواهر

آذرماه سال ۹۷ بود که مردی با پلیس تماس گرفت و از قتل خواهر جوانش در شرق تهران خبر داد. جسد زن جوان ناپیون پیچ شده بود و مرد جوان که برادر مقتول بود، گفت: «خواهر بزرگ ترم گفت خواهر کوچکم در را باز نمی کند و نگران او هستم. من هم آمدم و پس از شکستن در متوجه شدم او فوت شده است و سرش را با ناپیون پوشانده اند.» ماموران که به برادر مقتول مشکوک شده بودند، تحقیقات را ادامه دادند و در نهایت برادر به قتل خواهرش اعتراف کرد و در بازجویی ها گفت: «چون خواهرم معتاد بود و علاوه بر اذیت و آزار خانواده ام مرا هم اذیت می کرد، تصمیم گرفتیم او را به قتل برسانیم.» او به ساقی مواد محل سه میلیون تومان پرداخت کرده بود تا خواهرش را به قتل برسانند. با این اعترافات، قاتل دستگیر شد.

## قتل شوهر با کمک دو قاتل اجاره ای

دو سال قبل ماموران در برابر پرونده قتلی در لویزان قرار گرفتند که در بررسی های اولیه گفته شده بود مرد جوان به دلیل مسمومیت با مواد مخدر جاننش را از دست داده است، این در حالی بود که مادر مرد جوان اعتیاد پسرش به مواد مخدر را انکار می کرد. با تخصصی تر شدن تحقیقات، همسر مرد جوان پرده از راز قتل شوهرش برداشت. زن جوان گفت می خواست از شوهرش جدا شود اما همسرش حاضر به جدایی نبود به همین خاطر زن جوان با یک راننده آژانس طرح دوستی ریخت و قرار شد با دستکاری ماشین مرد جوان او را به قتل برسانند که مرد جوان متوجه ماجرا شد. زن جوان که دست بردار نبود، این بار با یک کارگر رستوران آشنا شد، با کمک او مقداری قرص تهیه کرد و به شوهرش خوراند تا او را بکشد که نقشه قتل او این بار موفقیت آمیز بود و مرد جوان فوت شد.

## استخدام قاتل برای کشتن پدر

گاهی طمع باعث می شود تا فرزند به پدر خود هم رحم نکند. سال ۸۸ بود که پلیس شهریار، جسد مرد ۶۴ ساله ای را در این شهر کشف کرد. هیچ اوراق هویتی همراه جسد نبود و جسد به پزشکی قانونی منتقل شد. چند روز بعد، اعضای خانواده پیرمردم شدن او را به پلیس اطلاع دادند و در ادامه بررسی ها مشخص شد جسد ناشناس متعلق به پدر همین خانواده است. پلیس در تحقیقات خود متوجه شد یکی از فرزندان مقتول با پدرش اختلاف مالی داشت و او را دستگیر کردند.

پسر ۳۶ ساله با وجود تلاش فراوان برای انحراف مسیر تحقیقات، در نهایت به قتل پدرش اعتراف کرد: «به دلیل اختلاف مالی با پدرم، از او کینه داشتم. دو او باش به مبلغ ۶۰ میلیون تومان اجیر کردم که پدرم را بکشند.» پس از این اعترافات هر دو قاتل دستگیر شدند.

## اجیر کردن آدمکش برای قتل همکار

حسادت به همکار هم گاهی یک فاجعه را رقم می زند. شهریور سال گذشته یکی از اهالی شمال تهران متوجه غیبت سرایدار خانه ویلایی روبه رویی خود شد. اوضاع مشکوک او را به خانه همسایه کشاند که درش باز بود. وقتی وارد خانه و اتاقک نگهبانی شد، متوجه جسد بی جان مرد سرایدار شد و به سرعت با پلیس تماس گرفت. در بررسی های پلیسی مشخص شد مقتول، کارگریک کارگاه میل سازی بود که روزها آنجا کار می کرد و عصر و شب سرایدار خانه ویلایی بود. در ادامه تحقیقات، ماموران به یکی از همکاران کارگر مشکوک شدند که با او اختلاف داشت. کارگر مشکوک پس از مدتی پرده از راز هولناکش برداشت و گفت مقتول دو سال پیش به کارگاه میل سازی آمده بود اما دریافتی بیشتری نسبت به او داشت، برای همین فکر گرفتن انتقام از همکار به سرش زده است. او درباره قتل گفت: «به دو نفر در خیابان پیشنهاد دو میلیون تومانی دادم و قرار شد یک میلیون تومان بعدی را پس از پایان کار بدهم. قرار بود فقط او را گوشمالی دهند، اما زیاده روی کردند و او کشته شد.»

آدم

دکتر عل  
بیان این

گذشته به کار گرفته می ش  
بشر، نمونه های متعددی از قتل

کاری هستند، حذف زن توسط مرد و

چشم خود دیده است. در کشور ما گرچه این

به خود گرفته است. بسیاری از ضرب و جرح ها و قتل ها

ورزشی خاص خود یا سابقه مجرمانه، از این طریق امرار معاش کر

و تسامح، قاتل اجاره ای نامیده می شوند اما قاتل اصلی در واقع، افرادی هست

می کنند. ناگفته نماند، قتل های ایدئولوژیک و سیاسی هم از جمله این قتل ها به ش

مرجع، با تلقین مطالبی به افراد معتقد یا تحت امر خود، آنها را وادار به ترور اشخاص

و مسکونی مربوط به سوزه مورد نظر خود می کند. اشخاصی که مرتکب قتل می شو

دیده شده که در زمان قتل یا ضرب و جرح به قربانی می گویند من مشکل شخصی ب

باید انجام دهم. این نوع قتل ها، حتی در زندان های کشور نیز مشاهده می شود و با

دستور می دهند تا نسبت به حذف یا قتل یک زندانی به صورت فردی یا جمعی اقدام

حتی با انگیزه های ایدئولوژیک اعم از سکولاری دینی و سیاسی نیز انجام می شود.»



## پاک کردن صورت مسأله

دکتر پروانه صفایی مقدم

روانشناس بالینی

قتل دیگران با استفاده از قاتلان اجاره‌ای، نوعی آسیب اجتماعی است که اغلب توسط افرادی انجام می‌شود که هم وضعیت خوب مالی و هم هوش هیجانی بالا در متقاعد کردن افراد به قتل فرد موردنظر خود دارند. برای مثال خانمی که همسرش درگیر اعتیاد است، به جای جدایی سعی می‌کند با برداشتن او از سر راه خود، صورت مسأله را پاک کند. عمده کسانی که درگیر این نوع قتل‌ها می‌شوند، افرادی با سطح پایین مالی یا معتاد هستند و کمتر کسی پیدا می‌شود که به خاطر هیجان ناشی از کار، مرتکب قتل شود. اینها افرادی هستند که می‌خواهند یک شبه ره ۱۰۰ ساله را بروند و تصور می‌کنند با این کار پول چشمگیری کسب می‌کنند، اما به پایان ماجرا فکر نمی‌کنند. این افراد درگیر اختلالات ضداجتماعی هستند و سعی می‌کنند متفاوت از هنجارها عمل کنند. خانواده‌های آدمکشان اجاره‌ای، گرفتار آسیب‌های اجتماعی بوده و اغلب با مسائلی مانند اعتیاد، فساد یا فقر دست به گریبان هستند. آنها به مرحله‌ای رسیده‌اند که چیزی برای باخت ندارند و به همین علت در مقابل پیشنهاد آدمکشی از سوی دیگران، مرتکب قتل می‌شوند. مثلاً قاتل فیلم خسوف، شخصی بود که در دوران کودکی به شدت آسیب دیده بود و برای دستیابی به اهداف خود، سعی می‌کرد تمام موانع و افراد سر راهش را از بین ببرد. پس از بررسی‌های شخصیتی او، به این نتیجه رسیدند که این فرد در دوران کودکی رفاه کافی نداشته و شاهد تحقیر شدن پدرش توسط کارفرما بوده است که تجربه این لحظات باعث شد تا دست به ارتکاب جرم بزند.

نکته دیگری که باید به آن توجه داشت، این است که گاهی ممکن است شخص مشکل شخصیتی یا ضداجتماعی نداشته باشد اما مواجهه با برخی مشکلات مانند خیانت همسر یا ورشکستگی او را به مرحله‌ای رسانده که نمی‌توان از این شخص انتظار رفتار معقولانه داشت. اگر بهره هوشی افراد را در شرایط نرمال ۱۰۰ در نظر بگیریم، در زمان خشم یا نشاط بیش از حد، این میزان به عدد ۳۰ و در حد هوش جلبک کاهش پیدا می‌کند که از چنین بهره هوشی نمی‌توان انتظار داشت عاقلانه فکر کند و تصمیم بگیرد. به همین علت است که وقتی به او در ازای قتل پیشنهاد پول می‌شود، به خاطر ترس زیاد و هیجانات بالا، مرتکب آن می‌شود، بدون این‌که تبعات قانونی آن را در نظر بگیرد.

در خصوص جلوگیری از این شرایط باید گفت وقتی زن و شوهری به حالت تنفر و انزجار می‌رسند، با تکرار جمله من از همسرمتنفرم، در واقع به این حس منفی خود شاخ و برگ می‌دهند. هرچه موج تنفر بیشتر شود، اراده درونی فرد برای از بین بردن آن شخص بیشتر می‌شود. اگر این حس تنفر از پدر، مادر، فرزند یا همسر وجود دارد، فرزند بهتر است به جای کشتن والدین خود، از آنها جدا شود و فاصله بگیرد. اگر فرد مورد تنفر همسر یا دوست است، بهتر است تنفر را با جدایی خود از فرد مقابل، نشان داد تا کشتن او. ما نباید به این فکر کنیم که هیچ راهی جز نابودی فرد مقابل وجود ندارد. بالاترین تنبیه این است که خودمان را از فرد مقابل دریغ کنیم. متأسفانه افراد در چنین شرایطی تعقل نکرده و با اقدامی نابه‌جا، در واقع خود را نابود می‌کنند.

## آدمکشان اجاره‌ای، پدیده‌ای رو به رشد

او با اشاره به ماده ۲۱۱ سابق قانون مجازات اسلامی ادامه داد: «قانونگذار در این ماده برای آمر قتل حبس ابد و برای مرتکب قتل، قصاص در نظر گرفت که البته در ماده ۳۷۵ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲، بحث اکراه مطرح شد. بنابراین با وجود این‌که آمر دستور قتل را صادر می‌کند اما قاتل در واقع همان کسی است که مرتکب قتل می‌شود. این نوع برخورد قانونی باعث شده تا بسیاری از افراد که قصد کشتن دیگری را دارند، با سوءاستفاده از این قانون، به قاتل اجاره‌ای مزد پرداخت کنند تا در ازای مزد، فرد موردنظر خود را به قتل برسانند. در مواردی و پیرو نوعی روابط سنتی که مربوط به داش‌مشتی‌های سابق است، گاهی رفاقت میان افراد هم باعث می‌شود تا افرادی که سابقه ارتکاب قتل هم ندارند، در راستای وظیفه رفاقتی اقدام به قتل رقیب یا دشمن دوست خود کنند.

این جرم‌شناس با اشاره به این‌که قتل‌های اجاره‌ای در میان خانواده‌ها نیز رسوخ کرده، گفت: «در مواردی مانند عدم رضایت زن و شوهر از یکدیگر، جدایی جنسی و جسمی، ازدواج اجباری و تعلق خاطر پیدا کردن یکی از زوجین به فرد دیگر، باعث عمیق‌تر شدن اختلافات شده و زن یا شوهر احساس می‌کنند زندگی‌شان دوام چندانی ندارد و به نوعی یکدیگر را سد راه زندگی می‌دانند. در نتیجه برخی زنان و مردان با استفاده از یک قاتل اجاره‌ای، اقدام به حذف زن یا شوهر خود می‌کنند.»

نجفی‌توانا در مورد تیپولوژی قاتلان اجاره‌ای توضیح داد: «قاتلان اجاره‌ای معمولاً از طبقه پایین و فرودست اجتماع هستند و درآمد و شغل ثابتی ندارند. از لحاظ رفتار اجتماعی نیز، سوابق متعدد زورگیری و زد و خورد فراوان داشته و آمادگی انجام جرایم متعدد، در ازای دریافت پول و حتی خدمات جنسی دارند. البته اگر دستگیر نشوند، در سطح حرفه‌ای و تخصصی وضعیت مالی خوبی دارند و حتی به عنوان متخصص نیز شناخته می‌شوند که نمونه‌های آن در میان جاسوسان و افراد وابسته به نهادهای امنیتی در دنیا بسیار مشاهده می‌شود. در بسیاری از کشورهای دنیا افرادی وجود دارند که در راستای انجام وظیفه، مباردت به قتل دیگران می‌کنند اما پس از بازنگشتگی هم در مواردی از آنها و تجربیات‌شان برای حذف رقبای سیاسی و تجاری استفاده می‌شود.»

نجفی‌توانا جرم‌شناس، درباره قاتلان اجاره‌ای با اشاره به استفاده از آدمکشان اجاره‌ای، پدیده‌ای است که از زمان قدیم وجود داشته اما در سال‌های اخیر شکل خاصی یافته و به عنوان قاتلان حرفه‌ای یا مزدور و با اندکی تساهل به آن‌ها پرداخت مزد از افراد آدمکش استفاده ابزاری می‌شود که در آن، ایدئولوگ یا فاعل معنوی یا مراد و هدف، ضرب و جرح یا انفجار اماکن عمومی، شخصی، تجاری، خود خصوصیت شخصی یا قربانی ندارند و گاهی حتی با شما ندارم اما ماموریتی است که به من محول شده و مرا هدایت کرده افرادی به نوبه و اشخاص تحت امرشان م‌کنند. انگیزه‌ها نیز متفاوت است و قتل‌های اجاره‌ای

گاهی ممکن است

شخص مشکل

شخصیتی یا

ضداجتماعی نداشته

باشد اما مواجهه با

برخی مشکلات مانند

خیانت همسر یا

ورشکستگی او را به

مرحله‌ای رسانده که

نمی‌توان از این شخص

انتظار رفتار معقولانه

داشت



## از زلزله مرگبار تا سقوط بالگرد استاندارد

یکم خرداد ۱۳۹۹

### قتل رومینا به دست پدر

قتل رومینا به دست پدرش در یکی از روستاهای تالش جنجالی شد. براساس اطلاعاتی که از این ماجرای قتل منتشر شده است، رومینا آشرفی قبل از ۱۳ سالگی عاشق پسری ۲۸ ساله شده بود. پدر رومینا ظاهراً به دلیل اختلاف فرهنگی که بین دو خانواده وجود داشت، مخالف ازدواج آن‌ها بود. در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۹، رومینا به همراه بهمن فرار کرد اما یک روز بعد، خانواده اش شکایتی تحت عنوان «آدم‌ربایی» در دادسرا ثبت کردند که منجر به تعقیب قانونی و بازداشت آنها شد به گفته یکی از بستگان رومینا، برای آنکه رومینا را راضی به بازگشت کنند، به او پیغام می‌رسانند که پدرش با ازدواجش موافق است. براین اساس، خانواده بهمن سفره عقدی آماده می‌کنند، ولی در زمان مقرر، پدر رومینا با پلیس در آن جا حاضر می‌شود. آن‌ها شب رادر منزل یکی از بستگان در آستارابه صبح رساندند و فردای آن روز راهی روستای شان شدند. در ۱ خرداد ۱۳۹۹ پدر ابتدا سعی کرد رومینا را خفه کند اما موفق نشد و پس از آن سر او را باداس برید.

سوم خرداد ۱۳۷۰

### سقوط ایلوشین

در سومین روز خرداد سال ۱۳۷۰، یک فروند هواپیمای ایلوشین در نزدیکی کرمانشاه سقوط کرد. درباره جزئیات این سقوط اطلاعاتی منتشر نشده اما خبر آمده بود، چهار سرنشین این هواپیمادر این سانحه جان باختند.

هشتم خرداد ۱۳۸۳

### زلزله مهیب در کجور

ساعت ۱۷ و ۸ دقیقه بعد از ظهر روز جمعه هشتم خرداد ۱۳۸۳ زمین لرزه‌ای با بزرگای ۳/۶ ناحیه گسترده‌ای از استان‌های شمالی ایران را لرزاند. ناحیه‌ای که بیش از همه مورد تأثیر زمین لرزه قرار گرفت از شمال به دریای خزر، از خاور به جاده هراز، از جنوب به تهران و از باختر به طالقان محدود می‌شد. زمین لرزه در تهران خسارتی در پی نداشت اما باعث وحشت بسیاری از شهروندان شد. بر اثر این زلزله ۲۲ نفر جان خود را در منطقه مهلرزه‌ای از دست دادند که از آن‌ها ۲ نفر در اثر ریزش آوار ساختمان‌ها در فیروزآباد، ۲ نفر در اثر ریزش آوار ساختمان‌ها در گازران، و ۱۸ نفر در اثر ریزش سنگ در مسیر جاده چالوس-کرج جان سپردند.

نهم خرداد ۱۳۸۳

### سقوط بالگرد حامل مقامات استان قزوین

مسعود امامی استاندار قزوین صبح نهم خرداد ۱۳۸۳ و یک روز بعد از زلزله بزرگ کجور، برای هماهنگی در امداد و نجات و همچنین تسریع در ارسال کمک‌ها به مناطق زلزله زده رودبار الموت سفر کرده بود، پس از بازدید از چند روستای صعب‌العبور قرار بود تا از طریق بالگرد و همراه تنی چند از مسئولین استان به منطقه رجائی دشت قزوین سفر کند که بر اثر سقوط بالگرد در روستای مارکین حد فاصل منطقه معلم کلاویه و دشت قزوین درگذشت. مسعود امامی استاندار قزوین، بیات معاون عمرانی استاندار، سردار رحیم فعال فرمانده نیروی انتظامی استان قزوین که به تازگی به این سمت منصوب شده بود، همراه سرهنگ سلیمانی فرمانده لشکر زرهی قزوین، همچنین سرهنگ امینی خلیان بالگرد، سرهنگ محمدی کمک خلیان و سروان عزیززاده تکنیسین پرواز و دو تن از خبرنگاران سازمان صدا و سیما مرکز قزوین در این حادثه جان باختند.

### در قسمت بایگانی

### می‌توانید هر هفته

### حوادث مهمی که

### سال‌ها از وقوع آن

### گذشته و به بایگانی

### ذهن سپرده شده‌را

### مرور کنید.

## مزایده ۳۱۹۴ و ۳۱۹۵ / ۱۴۰۱ خودرو و اقلام مرکز فروش کوثر

\*\*\*\*\*

**آدرس محل بازدید:** عسلویه، کیلومتر ۲۰ اتوبان عسلویه به پارسیان، شهر کوشکنار، پشت بمب بنزین، معادن عمران، موسسه عمران صنعت  
تلفن تماس: ۰۹۱۷۷۷۴۰۹۵۴  
لاستیک های ضایعاتی

**آدرس محل بازدید:** عسلویه، بندر کنگان، سایت تنبک روبروی منطقه ویژه اقتصادی ۲، موسسه عمران ساحل  
تلفن تماس: ۰۹۱۷۳۷۳۹۰۴۱  
ابزار آلات - کمد، فایل، میز و صندلی - لوازم خانگی و سرمایی،  
**آدرس محل بازدید:** عسلویه، فاز ۱۵ و ۱۶، انبار ۲/۵ هکتاری  
تلفن تماس: ۰۹۱۲۶۹۴۸۱۴۰

### الف) شرایط مزایده:

- ۱- اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می‌باشد)
- ۲- خریدار موظف است به محض برنده شدن ۱۰٪ قیمت خرید را به عنوان سپرده به صورت نقد از طریق کارت‌های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول پرداخت نمایند.
- ۳- بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال تهیه چک رمزار در وجه مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.
- ۴- در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.
- ۵- خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید، ۲٪ بابت هزینه‌های جانبی مزایده و ۹٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.
- ۶- فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می‌باشد.
- ۷- کلیه هزینه‌های پس از فروش به عهده خریدار می‌باشد.
- ۸- ارائه مجوزهای لازم از سازمان محیط زیست، تاییدیه امور (HSE) و همچنین اخذ مجوزهای گمرکی و هزینه‌های مربوط به عهده خریدار می‌باشد.

### ب) زمان و مکان:

**زمان بازدید مزایده:** روزهای دوشنبه و سه‌شنبه، ۱۶ و ۱۷ خرداد ماه ۱۴۰۱ صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶  
**زمان برگزاری مزایده:** روز چهارشنبه ۱۴۰۱/۰۳/۱۸ خودرو ساعت ۹ صبح  
**آدرس محل برگزاری مزایده:** عسلویه، جنب پارک بانوان، مرکز پشتیبانی موسسه عمران ساحل. تلفن تماس: ۰۹۱۷۳۲۲۰۱۹۳ و ۰۹۱۷۹۲۹۷۷۵۷

مرکز فروش کوثر در نظر دارد، تعداد ۱۶ دستگاه خودرو و ماشین آلات راهسازی و نیز اقلام مستعمل و اسقاط زیر را از طریق مزایده حضوری به فروش رساند.

### تنوع خودرو:

پژو سواری پارس

### تنوع ماشین آلات:

دریل واگن اینگرسورلند CM225 - کمپرسور اینگرسورلند ۸۲۵  
بیل مکانیکی کوماتسو PC220 - بیل مکانیکی کوماتسو PC650  
لودر کوماتسو WA470 - تانکر میکسر آنفو داینو

لازم به ذکر است ماشین آلات مذکور دارای تعهدات گمرکی بوده و رفع تعهدات و انجام کلیه مراحل اداری و هزینه‌های مربوطه به عهده خریدار می‌باشد.

**تنوع اقلام:** کمد، فایل، میز و صندلی - لوازم خانگی - ابزار آلات - بشکه فلزی - قطعات داغی خودرویی - آهن آلات ضایعاتی - اقلام عمومی و مصرفی.

**آدرس محل بازدید:** عسلویه، جنب پارک بانوان، مرکز پشتیبانی موسسه عمران ساحل  
تلفن تماس: ۰۹۱۷۳۲۲۰۱۹۳ و ۰۹۱۷۹۲۹۷۷۵۷

کمد، فایل، میز و صندلی - لوازم خانگی، گرمایی و سرمایی - ابزار آلات کارگاهی مختلف - اقلام عمومی

**آدرس محل بازدید:** عسلویه سه راه پتروشیمی، روبروی پتروشیمی مروارید هلدینگ نفت، گاز و پتروشیمی مجری طرح پتروشیمی دماوند  
تلفن تماس: ۰۹۱۴۷۲۲۳۴۷۰

لاستیک ضایعاتی - پلاستیک ضایعاتی - آهن آلات ضایعاتی - چوب ضایعاتی  
**آدرس محل بازدید:** عسلویه، بیدخون، جنب پمپ بنزین بیدخون، نیروگاه سیکل ترکیبی، واحد اجرایی سپاسد.

تلفن تماس: ۰۹۱۳۲۸۲۰۴۹۲

آهن آلات ضایعاتی - تخته‌های الوار شمشیری ۲ و ۴ متری

**آدرس محل بازدید:** عسلویه، کنگان - فاز ۱۳ پارس جنوبی، موسسه عمران صنعت  
تلفن تماس: ۰۹۱۷۳۰۹۶۳۰۷

روغن سوخته فله ای - روغن سوخته همراه بشکه - لاستیک ضایعاتی - بشکه فلزی - قطعات داغی خودرویی - ورق گالوانیزه ضایعاتی - گالن ۲۰ لیتری پلاستیکی



# اتاق مهمان

مترجم:  
آیسا اسدی

تپش

آنچه گذشت: آکما، مددکاری که برای کشف قتل نویسنده معروف نویل شارپ به استخدام پلیس درآمده، در بین دوستان و آشنایان مقتول به دنبال سرنخ‌هایی می‌گردد. او در می‌یابد برخلاف ظاهر زندگی این زوج، آنها نه تنها خوشبخت نبوده‌اند که مشکلات مهم مالی و خانوادگی نیز داشته‌اند که اصلی‌ترینش سقط جنین و از دست دادن فرزند است. با کنکاش بسیار آکما به راز اتاق مهمان که زمانی برای فرزند متولد نشده طراحی و تزئین شده بود، پی می‌برد. اتاقی که در دوره‌ای کوتاه سراسر امید و شادی بوده، ناگهان به یک تابوت بزرگ بدل شده که رویاهای مگنوس و نویل در آن دفن شده است. در ادامه، داستان را با روایت آکما دنبال کنید.

به اتاق خواب اصلی رفتم. شاید بتوانم آنجا سرنخی پیدا کنم. نگاهی به داخل کمد انداختم. یک سری لباس راحتی زنانه که بیشتر مادر نویل گفته بود، عادت دارد هنگام نوشتن داستان آنها را بپوشد و البته لباس‌های کار مگنوس که درهم برهم و پر از لکه‌های مختلف رنگ روی آنها بود. در کشوها هم چیز دندان‌گیری نبود. انواع و اقسام رسیدها، پول‌خرد، اسکناس و چند مدل مختلف گوشواره زنانه که نشان می‌داد نویل بیش از هر زینت‌آلاتی به گوشواره علاقه داشته است.

آلبوم‌های عکس را پیدا کردم و آنها را ورق زدم. چیزی جز لبخندهای شاد در آنها یافت نمی‌شد. هیچ نگاه غمگین یا از سر خشمی نبود که به شخصی دیگر در آن عکس‌ها خیره باشد. کابینت داخل حمام را بررسی کردم شاید آنجا چیزی پیدا می‌شد. مثلاً دارویی خاص که پیشینه‌ای را فاش سازد اما هیچ نیافتم.

آتشپزخانه را یک بار سرسری دیده بودم، خالی بودن سطل زباله در کنار ظرف‌های کثیف داخل سینک توجهم را جلب کرده بود. این بار اما کسوها و کابینت‌ها را زیر و رو کردم. تا کمر داخلشان رفته بودم تا غیرقابل دسترس‌ترین نقاطشان را هم شخم بزنم اما باز هم به در بسته خوردم. مطلقاً هیچی. در داخل خانه جز چند نشانه کوچک در اتاق مهمان، هیچ سرنخی نبود.

تصمیم گرفتم شانسم را در محوطه بیرونی خانه هم امتحان کنم. سرانجام در گاراژ، جعبه‌هایی پیدا کردم بدون برچسب. می‌دانستم این همان چیزی است که دنبالش بودم.

آنها را باز کردم. هفت جعبه وجود داشت که هیچ کدام با دیگری مطابقت نداشت. همه‌شان در اندازه‌های مختلف بود و هر کدام دارای وسایلی چون اسباب بازی‌های صوتی یا آبی روشن، پتو، پستانک و ... این مکان گور آرزوهای خانواده شارپ است. جایی که همه رویاهای از دست رفته‌ای که جرأت دفن کردنش را نداشته‌اند، پنهان کرده‌اند. بدون شک اگر سرنخی باشد، همین جاست.

در یکی از جعبه‌ها قاب عکس‌هایی را که زمانی بر دیوار اتاق مهمان نصب بودند، یافتیم. همان اتاقی که روزگاری قرار بود اتاق کودک باشد. عکس‌هایی از اتاق‌های تمام شده هم وجود داشت. تزئینات اتاق در عکس‌ها هر بار متفاوت است. رنگ دیوارها هم مدام تغییر کرده‌اند. در عکسی صورتی با نقاشی گل‌های آزالیاست و در عکس‌های دیگر سبز چمنی، آبی آسمانی، بنفش سلطنتی و ...

حقیقت مثل سیلی محکمی بر صورتم خورد. حتی من غریبه طاقت دیدن این عکس‌های نفس‌گیر را نداشتم. چه برسد به نویل؛ زنی که هیچ وقت مادر نشد.

به جعبه‌ها نگاه کردم به تمام تلاش‌های ناموفق این زوج برای داشتن فرزند. همه سقط‌هایی که کتی گرین، دوست صمیمی نویل و حتی مادرش از آن خبر نداشتند.

وضعیت نویل ضعیف و شکننده بود اما چرا هیچ یک از نزدیکان از این موضوع خبر نداشته‌است؟ شاید این زن مفلوک خجالت می‌کشیده یا فکر می‌کرده این موضوع آن قدر شخصی است که به کسی ربطی ندارد. او در تمام این شکست‌ها و از دست دادن‌ها به تنهایی سوگواری کرده است. هیچ کس روی مبل نخوابید. هیچ کس در اتاق مهمان نخوابید.

سایر گوشه و کناره‌های گاراژ را بررسی کردم و چند قاب عکس بزرگ را یافتم که در گوشه‌ای، پشت ماشین چمن زنی با برزنت پوشانده شده بود. رفتم جلو و ماشین چمن زنی را کنار زدم. آنها پوستر عکس روی جلد کتاب‌های نویل بودند. روی لبه یکی که عکس سومین کتاب او به نام «توهم خطرناک» بود، آثار خون وجود داشت.

تلفنم زنگ خورد. دستم می‌لرزید. جوابش را دادم و پرسیدم «او بود؟» کار آگاه هربرت با کلوبی خشک شده جوابم را داد: «او باردار بود!» زمزمه کردم «لعنتی!».

چی؟ مگنوس چند سال پیش وازکتومی کرده است! مادر نهایت این را تایید خواهیم کرد و اگر تایید بشود چه؟

هر دوی ما جواب را می‌دانستیم. اگر او عمل وازکتومی را انجام داده بود، به این معنی بود که نویل خیانت کرده است و این انگیزه بود.



روز بعد آپارتمان لئونارد، برادر مگنوس را پیدا کردم. در را که باز کرد، با یک تیشرت چروک و شلوارک بود. ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر بود اما چشمانش قرمز و موهایش ژولیده بودند.

گفتم کی هستم و او به من اجازه ورود داد. یک نوشابه برایم آورد. با آن که گرم و چندش آور بود، چند جرعه‌ای نوشیدم تا راه گلویم باز شود. تمرکز کردم، آب دهانم را قورت دادم و پرسیدم: «تو با نویل رابطه داشتی؟»

لئونارد وانمود کرد که گیج شده است. منتظر ماندم. بعد از ۴/۵ دقیقه سکوت، صورتش را در دستانش گرفت و شروع به گریه کرد.

لئونارد در میان گریه بریده حرف می‌زد: «من او را دوست داشتم. خیلی زیاد. مگنوس همیشه شاکی بود. از حاملگی‌های ناموفق و سقط جنین‌های مکرر نویل خسته شده بود. فقط می‌خواست تمام شود. مرتب بحث داشتند. نویل نمی‌توانست قید مادر شدن را بزند. مگنوس هم از سر لج وازکتومی کرده بود اما من از این موضوع خبر نداشتم.» گریه‌اش شدید و چشمان اشک‌آلودش کوچک تر شد اما ادامه داد: «اطرافیان نویل همگی مگنوس را برایش کم می‌دیدند. نمی‌توانست با کسی از آنها در دیش را بگوید. پیش من که برادر مگنوس بودم به راحتی از مشکلاتش می‌گفت و کم کم من به شانه‌ای بدل شدم که رویش راحت گریه کند و بعد...»

آهسته پرسید: «شما از کجا فهمیدی؟» باخونسری گفتم: «مگنوس پیش شمانی ماند به خانه دوستش رفته، مشخصه که از شما متنفر است.»

آه از نهادش بلند شد؛ غرق در این که چقدر از خودش متنفر است. پرسید: «حالا چه کار کنم؟»

من نویل را تصور می‌کردم. او در اتاق مهمان بوده و به مهدکودکی که هرگز به آن نرسیده، نگاه می‌کرده است. امیدوار بوده این بار جواب دهد. مگنوس او را آنجا پیدا کرده و کشته است. شاید ضربه‌های مکرر چاقو که بر پیکرش زده به تعداد دفعات سقط جنین‌ها بوده است. نمی‌دانم. بعد پوست‌های قاب شده کتاب‌هایش را از دیوار کنده است. طاقت دیدن آنها، یعنی تمام دستاوردهای زنش را نداشته است.



ویژه نامه حوادث روزنامه جام جم  
چهارشنبه ۱۱ خرداد ۱۴۰۱  
شماره ۹۷۱

داستان





## پیش از ازدواج، مشاوره بگیرید

**سارا شقاقی، روان شناس در این خصوص می گوید:** انتخاب همسر، یکی از اساسی ترین و مهم ترین اتفاقات در طول زندگی هر فردی محسوب می شود. با توجه به این که بسیاری از افراد بر این عقیده هستند که ازدواج مهم ترین اتفاق زندگی هر فرد است، انتخاب همسر نیز، بسیار مهم خواهد بود. تناسب و هم سطح بودن هر دو طرف بسیار مهم است. در این میان، مشاوره برای انتخاب همسر می تواند بسیار موثر باشد. مشاوره قبل از آشنایی، مشاوره برای انتخاب و مشاوره بعد از آشنایی باید انجام شود. معمولاً روان شناسان و مشاوران توصیه می کنند قبل از انتخاب همسر، مشاوره صورت بگیرد تا با آگاهی کامل بر ملاک ها و معیارها، هر دو طرف بتوانند بهترین انتخاب را داشته باشند. چون پس از آشنایی ممکن است برخی معیارهای اساسی در انتخاب محقق نشود. اما باز بسیار بهتر است که پس از انتخاب نیز، طرفین ازدواج برای مشاوره به روان شناس مراجعه کنند تا تطابق و تناسب آنها با هم بررسی و برای آن نتیجه گیری شود. در مشاوره، تمام ملاک ها و معیارها بررسی می شود. معیارهای شخصی هر فرد و همچنین معیارهای کلی مثل اختلاف سنی و طبقاتی، اخلاق و رفتار و خانواده هر فرد بررسی شده و در نهایت نتیجه گیری کلی صورت می گیرد. بنابراین، بهتر است زوج ها پیش از ازدواج تمام دقت خود را داشته باشند تا پس از ازدواج با مشکلات جدی مواجه نشوند.

# درخواست طلاق به خاطر دوستی با اراذل

می شود. وقتی من و نظرم برایش مهم نیست، من هم دیگر به او علاقه ای نخواهم داشت. در ادامه شوهر این زن نیز به قاضی گفت: آقای قاضی! همسر من موضوع را زیادی بزرگ کرده است. ماندانا از همان ابتدا می دانست من با دوستانم رفت و آمد می کنم. آنها خلافکار نیستند. فقط دو نفرشان چند سال قبل به خاطر درگیری دستگیر شده بودند و گرنه دوستان بسیار با معرفتی هستند و من نمی توانم به خاطر تهمت همسر، ارتباطم را با آنها قطع کنم. دوستانم در این سال ها همیشه هوای مرا داشته اند و همه جوهره به من محبت کرده اند. این به دور از انسانیت است که بخواهم محبت های چند ساله شان را نادیده بگیرم و به خاطر نامرزد از همه شان جدا شوم. اما ماندانا متوجه این موضوع نیست و این مساله را درک نمی کند. اوزن خودخواهی است که دلش می خواهد حرف، حرف خودش باشد. من هم زیر بار حرف زور نمی روم. حالا که او به خاطر خودخواهی اش می خواهد از من جدا شود، من هم دیگر نمی خواهم با چنین زنی زندگی کنم.

در پایان نیز قاضی سعی کرد این زوج را از جدایی منصرف کند، ولی وقتی اصرار آنها را دید، رسیدگی به این پرونده را به جلسه آینده موکول کرد و از این زوج خواست با یک مشاوره خانواده مشورت کنند.

می آمد به خانه دوستانش می رفت. خیلی از وقت ها کنار من نبود. حالا همه اینها به کنار، وقتی پیگیری کردم و دوستانش را دیدم، خیلی شوکه شدم. دوستان فردا همگی اراذل و شرور هستند. حتی یکی دو نفرشان سابقه خلافکاری و زندان هم دارند. از همان شرورانی که دنبال دعوا و خلاف هستند. باورم نمی شد. از قیافه آنها هم ترسیدم، چه برسد به رفت و آمد و معاشرت. بعد از آن بود که دیگر از فردا متنفر شدم. به او اعتماد ندارم. کسی که دوستانش اینطور باشند، خودش هم مثل آنهاست. با این حال، از فردا خواستم دیگر با دوستانش رفت و آمد نکند. ولی او موضع گرفت و با من دعوا کرد. گفت حاضر نیست از دوستانش بگذرد. من هم وقتی وضعیت را این طور دیدم، تصمیم گرفتم برای همیشه از او جدا شوم. حالا که هنوز زندگی مشترک ما آغاز نشده، می خواهم از این مرد جدا شوم تا بتوانم آسایش داشته باشم. فردا با این دوستانی که دارد، زندگی خوبی نخواهد داشت و به سمت خلاف کشیده

زن جوان پس از معاشرت با دوستان صمیمی شوهرش، تصمیم گرفت پیش از شروع زندگی مشترکش، از شوهرش جدا شود. او وقتی دید دوستان شوهرش از اوباش و شرورهای منطقه هستند، دیگر نتوانست کنار همسرش بماند.

او به دادگاه خانواده تهران رفت و درخواست طلاق داد. این زن وقتی مقابل قاضی قرار گرفت، درباره علت درخواست جدایی اش گفت: حدود هشت ماه قبل با فردا آشنا شدم و خیلی زود به عقد یکدیگر درآمدیم. من و فردا در مدت زمان کمی، عاشق هم شدیم و تصور می کردم چون همدیگر را دوست داریم، می توانیم کنار هم خوشبخت شویم. فردا وضع مالی زیاد خوبی نداشت اما برایم مهم نبود و فقط می خواستم هرچه زودتر کنارش زندگی کنم. ما به عقد یکدیگر درآمدیم اما من خیلی زود فهمیدم اشتباه کرده ام. فردا در همین دوران عقد، خودش را نشان داد. او مرتب با دوستانش رفت و آمد می کرد. در هر فرصتی که گیرش

سند کمپانی، سند برگ سبز و کارت خودرو تیبا، مدل ۹۶، رنگ سفید، شماره موتور M15/8524021 شماره شاسی NAS811100H5772759 به نام صفورا کریمی نیستانی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

مدرک تحصیلی اینجناب روزینا فرخی فرزند محمد حسین به شماره شناسنامه ۴۹۴۸۶ صادره از تهران در مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته رشته مهندسی صنایع مدیریت سیستم و بهره وری به تاریخ ۹۴/۰۶/۱۴ صادره از واحد دانشگاهی آزاد پرند مفقود گردیده است. از یابنده تقاضا می گردد اصل مدرک را به نشانی: تهران، کیلومتر ۲۲ اتوبان تهران - ساوه، شهر پرند بلوار باهنر دانشگاه آزاد واحد اسلامی واحد پرند تحویل دهد.

سند کمپانی، سند برگ سبز و کارت خودرو تیبا ۲ هاج یک، مدل ۹۶، رنگ سفید، شماره موتور M15/8498384 شماره شاسی NAS821100H1122838 به نام صدف کریمی نیستانی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، برگ سبز، برگه وکالت و کلیه اسناد تاییدیه نقل و انتقال خودرو سواری براید صبا جی تی ایکس مدل ۱۳۸۱ به رنگ شیری شماره انتظامی ایران ۵۳ - ۵۹۹ س ۱۷ شماره موتور 363608 شماره شاسی S1412281829280 به مالکیت سعید صادقیان رانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری تیبا ۲ مدل ۱۴۰۰ رنگ مشکی متالیک شماره موتور M159252202 شماره شاسی NAS821100M1327792 به شماره پلاک ۲۵۱ ن ۵۸ ایران ۴۶ به نام سعید تقی زاده رجبی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، سند برگ سبز و کارت خودرو تیبا ۲ هاج یک، مدل ۹۶، رنگ سفید، شماره موتور M15/8496032 شماره شاسی NAS821100H1121833 به نام صدف کریمی نیستانی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، سند برگ سبز و کارت خودرو ساینا، مدل ۹۶، رنگ سفید، شماره موتور M15/8454682 شماره شاسی NAS831100H5742557 به نام صدف کریمی نیستانی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، سند برگ سبز و کارت خودرو تیبا ۲ هاج یک، مدل ۹۶، رنگ سفید، شماره موتور M15/8523777 شماره شاسی NAS821100H1132733 به نام صدف کریمی نیستانی مفقود گردید و فاقد اعتبار است.

## آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده

**شرکت تعاونی مسکن کارکنان دانشگاه آزاد ورامین پیشوا**  
 بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم دعوت می شود تا در مجمع عمومی فوق العاده نوبت اول که رأس ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۳/۲۵ در محل دفتر شرکت تعاونی واقع در ورامین، خیابان چوب بری شهید مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین تشکیل می شود حضور بهم رسانند.  
 یادآوری می شود: در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد، می تواند حق حضور و اعمال رای از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت هیچ کس نمی تواند نمایندگی بیش از ۳ عضو را بپذیرد. همچنین برگه های نمایندگی مزبور با امضاء رئیس هیات مدیره و مهر تعاونی معتبر خواهد بود.  
 مصوبات مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم مغایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضاء اعم از حاضر و غایب، نافذ و معتبر خواهد بود.  
**دستور جلسه:**  
 ۱- تصمیم درخصوص طرح و تصویب اساسنامه جدید شرکت تعاونی  
**رئیس هیات مدیره**

## آگهی دعوت مجمع عمومی عادی

**شرکت تعاونی مسکن کارکنان دانشگاه آزاد ورامین پیشوا**  
 بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم دعوت می شود تا در مجمع عمومی عادی نوبت اول که رأس ساعت ۱۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۴/۰۴ در محل دفتر شرکت تعاونی واقع در ورامین، خیابان چوب بری شهید مدرس، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ورامین تشکیل می شود حضور بهم رسانند.  
 یادآوری می شود: در صورتیکه حضور عضوی در مجمع عمومی میسر نباشد، می تواند حق حضور و اعمال رای از سوی خود را به نماینده تام الاختیار خود واگذار نماید، در اینصورت هیچ کس نمی تواند نمایندگی بیش از ۳ عضو را بپذیرد. همچنین برگه های نمایندگی مزبور با امضاء هیات مدیره و مهر تعاونی معتبر خواهد بود.  
 مصوبات مجمع عمومی در صورت رسمیت یافتن و عدم مغایرت با ضوابط قانونی برای کلیه اعضاء اعم از حاضر و غایب، نافذ و معتبر خواهد بود. ضمناً داوطلبان عضویت در هیات مدیره یا بازرسی موظفند تا ۷ روز پس از صدور دعوت نامه تشکیل مجمع عمومی عادی، مدارک مربوطه را جهت ثبت نام به دفتر شرکت تعاونی تحویل نمایند.  
**دستور جلسه:**  
 ۱- استماع گزارش هیات مدیره و بازرسی/بازرسان  
 ۲- انتخاب بازرسی و هیات مدیره  
**رئیس هیات مدیره**